

بررسی حمایت والدین از فرزندان بزرگسال و عوامل اثرگذار بر آن در شهر تهران*

فاطمه مدیری،* مجید کوششی**

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵)

چکیده

در سال‌های اخیر تغییرات جمعیتی منجر به افزایش مدت‌زمان فرزند-والدگری و پیچیده‌تر شدن پیوندهای عمودی بین نسل‌ها شده است. هدف این مقاله بررسی میزان حمایت والدین از فرزندان بزرگسال در ابعاد مختلف و عوامل موثر بر آن بوده است؟ جمعیت آماری پیمایش، افراد ۱۸ سال و بالاتر شهر تهران بوده که حداقل یک والد زنده داشته و هم‌سکنا نبوده‌اند. نمونه ۱۰۰۰ نفری از ۳۰ حوزه تهران به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای، انتخاب شده و یافته‌ها نشان داده: حمایت والدین از فرزندان بزرگسال در سطح بالایی بوده و در ابعاد مختلف یکسان نیست. به طوری که پند و نصیحت، علاقه‌مندی به زندگی شخصی و حمایت عاطفی، در سطح بالا و حمایت ابزاری و حمایت مالی در سطح پایین‌تری گزارش شده و حمایت مادران در همه ابعاد به‌استثنای حمایت مالی بیش از پدران بوده است. حمایت والدین متأثر از سن والدین، تضاد زناشویی والدین، تضاد والدین و فرزندان بزرگسال، حمایت فرزندان بزرگسال از والدین، و تعداد فرزندان بوده و یافته‌ها تایید کننده تئوری‌های همبستگی بین نسلی، نوع‌دوستی و اقتضایی است.

<http://dx.doi.org/10.22034/jsi.2022.532425.1447>

* مقاله علمی: پژوهشی

*. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه مطالعات خانواده، موسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
fateme.modiri@psri.ac.ir

*. استادیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
kooshesh@ut.ac.ir

● این مقاله مستخرج از طرح مصوب موسسه تحقیقات جمعیت کشور با عنوان بررسی حمایت‌های دریافت شده فرزندان بزرگسال از والدین در شهر تهران است.

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیست و دوم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، ص ۱۰۳-۷۷

مفاهیم اصلی: حمایت ابزاری، حمایت عاطفی، حمایت مالی، حمایت والدین، فرزندان

بزرگسال

مقدمه و بیان مسأله

تغییرات گسترده جمعیتی از جمله افزایش امید زندگی، افزایش میانگین سن ازدواج، افزایش طلاق و کاهش باروری منجر به تغییر ساختار روابط بین‌نسلی و پیچیده‌تر شدن پیوندهای عمودی شده است. افزایش تعداد خانواده‌های سه یا چهار نسلی، از طرفی فرصت‌های بیشتری برای تعامل و تأثیر متقابل بین نسل‌ها را به وجود آورده (داکسترا^۱، ۲۰۱۰) و از طرف دیگر تغییراتی از جمله کمتر شدن روابط اقتدارطلبانه، کاهش نفوذ مذهب و گسترش ارزش‌های فردگرایانه حادث شده که احتمال کاهش روابط بین نسلی را مطرح ساخته است. روابط فرزندان و والدین علی‌رغم وجود بیمه همگانی و دولت رفاه در بسیاری از کشورها مورد توجه محققین مختلف قرار گرفته است. در تأثیر تغییرات جمعیتی بر ساختار خانواده، نتایج متفاوتی دیده می‌شود. ولف^۲ (۱۹۹۴) نشان داده که تغییرات جمعیتی در سطح کلان منجر به تغییرات در ساختار خانواده در سطح خرد شده و الگوی خویشاوندی دگرگون شده است. در حالی که داکسترا^۳ و کامتر^۳ (۲۰۰۶) نشان دادند که توصیف ساختار خانواده به‌سادگی از طریق آمار جمعیتی امکان پذیر نبوده و می‌بایست به الگوی باروری و مرگ و میر در نسل‌های متعدد توجه شود. یکی از ابعاد روابط میان اعضای خانواده، روابط بین والدین و فرزندان بزرگسال است که بررسی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. از جمله این‌که رابطه سلامتی با حمایت والدین از فرزندان در مطالعات متعدد گزارش شده است (هاوس^۴ و همکاران، ۱۹۸۸؛ موآک و آگراول^۵، ۲۰۰۹؛ هلسن^۶، ۲۰۰۰؛ ویلز^۷ و همکاران، ۲۰۰۴؛ هولاهان^۸ و همکاران، ۱۹۹۴؛ شیتز و مور^۹، ۲۰۰۹؛ به نقل از نیدهم و آستین^{۱۰}، ۲۰۱۰). همچنین تغییرات جمعیتی مانند تعداد بی‌سابقه‌ای از افراد مسن، نیاز به اطلاعات بیشتر در مورد هنجارهای اجتماعی تعهدات والدین و فرزندان را برجسته‌تر کرده است. افزایش تحصیلات زنان و اشتغال ایشان نیز

¹ Dykstra

² Wolf

³ Dykstra, Komter

⁴ House

⁵ Moak & Agrawal

⁶ Helsen

⁷ Wills

⁸ Holahan

⁹ Sheets & Mohr

¹⁰ Needham & Austin

موجب شده که تغییراتی در روابط بین والدین و فرزندان حادث شود. از طرفی افزایش میزان طلاق نیاز به بررسی حمایت والدین از فرزندان بزرگسال را در خانواده‌های تک‌سرپرست، ازدواج مجدد و ناتنی مطرح می‌سازد و ضرورت مطالعات اینچنینی را دو چندان می‌کند. و علیرغم اینکه نظریه‌های متعددی ویژگی‌های مثبت و منفی پیوندهای والدین و فرزندان را در نظر می‌گیرند، اما درک نظری جامعی از روابط بین والدین و فرزندان بزرگسالان وجود ندارد (فینگرمن^۱ و همکاران، ۲۰۱۳).

مطالعات متعدد در کشورهای غربی نشان می‌دهند که والدین حمایت بالایی از فرزندان بزرگسال خود دارند (اسکلتا^۲، ۱۹۹۷؛ آتیاز دانفوت و ولف^۳، ۲۰۰۰؛ کولی و کمنوند^۴، ۲۰۰۱؛ اگبین و ویلهلم^۵، ۱۹۹۵ به نقل از شوارز و همکاران، ۲۰۰۵: ۳۹۷). و نقش حمایتی از فرزندان به کودکی تا بلوغ ختم نشده و فرزندان بزرگسال نیز از این خدمات بهره می‌برند (فینگرمن و همکاران، ۲۰۰۹؛ جانسون^۶، ۲۰۱۳). در بیشتر سال‌های عمر، حتی در دوران بزرگسالی جریان حمایت والدین از فرزندان به ویژه در حمایت مالی بیشتر از عکس آن است (رسی و رسی^۷، ۱۹۹۰). برخی نشان داده‌اند والدین معمولاً بیش از حمایتی که دریافت کرده‌اند، از فرزندان خود حمایت می‌کنند (فینگرمن و همکاران، ۲۰۰۹) و در بزرگسالی نیز، همچنان به عنوان شخصیت حمایتی کلیدی فرزندان محسوب می‌شوند (جانسون ۲۰۱۳).

در عوامل مرتبط با حمایت والدین نیز مولفه‌های زیادی مطرح شده است. از جمله ولنویدر^۹ و همکاران (۲۰۰۲) به مقایسه تغییرات دفعات تماس بین افراد مسن و خانواده‌های آن‌ها در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۹۴ پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها افزایش ارتباط بین گروه‌های مختلف را نشان داده که می‌تواند با عوامل ساختاری، مانند کاهش بعد خانواده، افزایش نزدیکی جغرافیایی و بهبود وسایل ارتباطی توجیه شود.

در جامعه ایرانی، دانش ما از روابط خانوادگی به طور عام و روابط والدین و فرزندان بزرگسال به طور خاص حتی در سطح توصیف اندک است. حمایت والدین از فرزندان، اگرچه پدیده جدیدی نیست، اما در ابعاد کنونی احتمالاً بی‌سابقه است. در جامعه سنتی ایرانی، فرزندان پسر، نیروی کار

¹ Fingerman

² Scholta

³ Attias & Wolff

⁴ Kohli & Künemund

⁵ Eggebeen & Wilhelm

⁶ Schwarz

⁷ Johnson

⁸ Rossi & Rossi

⁹ Vollenwyder

خانوادگی محسوب می‌شدند، و وقتی قدرت و ثروت را به ارث می‌بردند، تمامی تعهدات بین نسلی را بر عهده می‌گرفتند. در جامعه جدید ایرانی، باروری پائین و سهولت مهاجرت، فراهمی و دسترسی به فرزندان را کاهش داده و تمایل والدین به سرمایه‌گذاری انسانی در حال گسترش است. در این شرایط تغییرات نهادی (از جمله روند رو به افزایش پوشش بیمه و بازنشستگی) جریان انتقالات را به نفع فرزندان تغییر داده است. هرچند شواهد روشنی برای تردید در این فرض وجود دارد که پرورش فرزندان به نیت دریافت حمایت در دوران پیری صورت می‌گیرد (لی و میسن^۱، ۳۹۷: ۲۷۹-۲۷۸)، بعید است نقش پررنگ فرزندان در برخی انواع حمایت‌ها کاهش یافته باشد. استدلال‌های نظری، این گمان را قوت می‌بخشد که در جوامع در حال گذار، حمایت والدین از فرزندان اگر نه بیشتر، دست کم به همان اندازه حمایت‌های فرزندان از والدین بااهمیت هستند (کالدول^۲، ۲۰۰۵).

همچنین باید در نظر داشت که مطالعات باید در متن هر جامعه انجام شود و استفاده از یافته‌های دیگر جوامع و سیاست‌گذاری بر مبنای آن موثر نخواهد بود. به دلایلی از جمله اینکه در کشور ما دولت رفاه، به معنای دقیق، وجود ندارد، روابط والدین و فرزندان بزرگسال از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. ضعف سیستم بیمه اجتماعی در جامعه ما، نیاز به آگاهی به وضعیت موجود و مداخله‌های سیاستی لازم را نشان می‌دهد.

چشم‌انداز جمعیت ایران نیز نشان می‌دهد که ساختار سنی جمعیت در دهه‌های آینده دچار تغییرات اساسی خواهد شد و نسبت جمعیت سالمند کشور روبه فزونی خواهد گذاشت. بنابراین بررسی روابط نسلی از اهمیت روزافزونی برخوردار خواهد بود. در جامعه ما مطالعات در خصوص روابط بین والدین و فرزندان عمدتاً در مورد والدین سالمند، فرزندان در سنین کودکی و نوجوانی و با تمرکز بر رابطه میان روش‌های تربیتی والدین و رفتار فرزندان بوده و مطالعه‌ای که رابطه بین والدین و فرزندان بزرگسال را نشان دهد، کمتر انجام شده است. مقاله حاضر، جنبه‌هایی از مناسبات بین‌نسلی را مورد بحث قرار می‌دهد و در جهت یافتن پاسخ به این پرسش است که حمایت والدین در ابعاد مختلف از فرزندان بزرگسال به چه میزان و متاثر از چه عواملی است؟

پیشینه تحقیق

بخشی از مطالعات پیشین به بررسی چگونگی حمایت والدین از فرزندان بزرگسال پرداخته‌اند. مطالعات متعدد در کشورهای غربی نشان می‌دهد والدین حمایت مالی، مراقبتی و عاطفی بالایی از فرزندان بزرگسال خود دارند (اسکلتا^۳ در اتریش، ۱۹۹۷؛ آتیاز و ولف در فرانسه، ۲۰۰۰؛ کولی و

¹ Lee & Mason

² Caldwell

³ Scholta

کنموند^۱ در آلمان، ۲۰۰۱؛ اگبین و ویلهلم در ایالت متحده امریکا، ۱۹۹۵ به نقل از شوارزو همکاران، ۲۰۰۵: ۳۹۷) در بیشتر سال‌های عمر جریان حمایت والدین از فرزندان به ویژه در حمایت مالی، حتی در دوران بزرگسالی بیشتر از عکس آن است (رسی و رسی، ۱۹۹۰). داتلند^۲ و همکاران (۲۰۱۱) و آتیز و ولف (۲۰۰۵) نیز نتایج مشابه را گزارش کرده‌اند.

بخش دیگری از مطالعات به بررسی تاثیر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی بر حمایت والدین از فرزندان بزرگسال پرداخته‌اند. به عنوان مثال فینگرمن و همکاران (۲۰۱۵)، هنرتا^۳ و همکاران (۲۰۰۲)، جانسون (۲۰۱۳)، شونی و راس^۴ (۲۰۰۵) نشان داده‌اند، والدین با موقعیت اقتصادی-اجتماعی بالاتر از فرزندان بزرگسال خود حمایت مالی بیشتری دارند. سوتر، سیکریست و پیلمر^۵ (۲۰۰۷) نشان دادند، مادران از فرزندانی بیشتر حمایت می‌کنند که منابع کمتری دارند، نیاز بیشتری دارند و از مادران خود بیشتر حمایت می‌کنند. سوتر، پیلمر و سیکریست^۶ (۲۰۰۶)، بری^۷ (۲۰۰۸)، فینگرمن و همکاران (۲۰۰۹) دریافتند که والدین بیشتر به فرزندان بزرگسالی که ازدواج نکرده‌اند یا دارای مشکلات سلامتی هستند، کمک می‌کنند. درک^۸ و همکاران (۲۰۱۸) در استرالیا می‌نویسند: والدین در قبال فرزندان بزرگسال خود همچنان مسئول هستند. وقتی فرزندان بزرگسال نیاز داشته باشند و وقتی کوچکتر باشند، کمک والدین با تأیید بیشتری انجام می‌شود. یافته‌های مقاله امری^۹ (۲۰۱۳) نشان داده تک‌فرزندان چهار برابر بیشتر از کسانی که در یک خانواده با چهار فرزند زندگی می‌کنند، احتمال دریافت منابع مالی دارند. فینگرمن، سیکریست و بردیت^{۱۰} (۲۰۱۲) عوامل اثرگذار بر حمایت والدین از فرزندان بزرگسال را به سه بخش منابع والدین، نیازهای فرزندان و زمینه خانوادگی طبقه‌بندی کرده‌اند.

بخشی از مطالعات نیز به تاثیر عوامل ساختاری و عوامل ارتباطی بر حمایت والدین از فرزندان بزرگسال پرداخته‌اند. برخی نشان داده‌اند طلاق والدین تاثیر منفی قوی بر روابط میان پدران و فرزندان بزرگسال دارد و سابقه طلاق احساسات کمک به یکدیگر را در خانواده ضعیف‌تر می‌کند (اکولینو، ۱۹۹۴؛ کنی و اولنبرگ^{۱۱}، ۱۹۹۰؛ گروندی و شلتون^۱، ۲۰۰۱؛ گرف و فوکما^۲، ۲۰۰۷).

¹ Kohli & Künemund

² Daatland

³ Henretta

⁴ Schoeni & Ross

⁵ Suitor, Sechrist, Pillemer

⁶ Suitor, Pillemer & Sechrist

⁷ Berry

⁸ Drake

⁹ Emery

¹⁰ Fingerman, Sechrist & Birditt

¹¹ Cooney & Uhlenberg

۲۰۰۴؛ کلمن^۳ و همکاران، ۱۹۹۷؛ پوپن^۴، ۱۹۸۸؛ روسی و روسی، ۱۹۹۰). کالمین^۵ (۲۰۱۵) نشان داده، در مقایسه با پدران طلاق گرفته که به تنهایی زندگی می‌کنند، پدران که ازدواج مجدد کرده‌اند، با فرزندانشان ارتباط کمتری دارند و کمتر از آن‌ها حمایت می‌کنند. بنابراین طلاق و ازدواج مجدد، اثرات منفی تجمعی دارند. اما یافته‌های متناقض با آن نیز مطرح است. ویکمنز و باول^۶ (۲۰۱۰) هنجارهای فرزندی قوی‌تری در میان خانواده‌های مطلقه گزارش کرده‌اند.

در مطالعات داخلی بررسی رابطه والدین با فرزندان بزرگسال اندک بوده است. حصارى (۱۳۹۶) نشان داده که ۹۱/۶ درصد پاسخ‌گویان در ۱۲ ماه گذشته حداقل به یکی از فرزندان خود انتقالات مالی انجام داده‌اند. والدین دارای درآمد، دارایی و تحصیلات بیشتر، والدین در سنین پایین‌تر، شاغلان و کسانی که دارای فرزندان بیشتری هستند، انتقالات بیشتری به فرزندان انجام می‌دهند. فرزندان در حال تحصیل، جوان‌ترها، غیر شاغلان، فرزندان پسر و هم‌سکنان انتقالات بیشتری دریافت کرده‌اند. فرهمند و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر مؤلفه‌های نوگرایی بر حمایت خویشاوندی خانواده‌های شهر یزد پرداخته و نشان داده‌اند، فردگرایی، سودگرایی، و عرفی شدن، رابطه معنادار و معکوسی با حمایت خویشاوندی وجود دارد.

مبانی و چارچوب نظری

در تبیین روابط میان والدین و فرزندان بزرگسال عمدتاً نظریه‌های نوع‌دوستی، همبستگی بین نسلی و اقتضایی کاربرد داشته که در ادامه به اختصار توضیح داده می‌شوند.

نظریه نوع‌دوستی^۷: انتقالات نوع‌دوستانه از طریق حس وظیفه یا تعهد اخلاقی نسبت به فراهم ساختن کمک به افراد دیگر تحریک می‌شود. یک انتقال زمانی نوع‌دوستانه تلقی می‌شود که یک کنش‌گر خواهان از دست دادن رفاه خود برای بهبود رفاه دیگران باشد (آلبرتینی و رادل^۸، ۲۰۱۲): (۱۰۸). بکر^۹ تأکید می‌کند که اعضای خانواده مجموعه منحصر به فردی از پیوندها را دارند که تعاملات آن‌ها را شکل می‌دهد. احساسات نوع‌دوستانه والدین، بدون این‌که انتظار بازپرداختی از

¹ Grundy & Shelton

² Graaf & Fokkema

³ Coleman

⁴ Popenoe

⁵ Kalmijn

⁶ Wijckmans & Bavel

⁷ Alturism

⁸ Albertini & Radl

⁹ Becker

سوی فرزندان وجود داشته باشد، رفاه آینده فرزندان را بهبود می‌بخشد (سیلورستین^۱ و همکاران ۲۰۰۲: ۳).

همبستگی بین‌نسلی^۲: همبستگی بین‌نسلی تعیین‌کننده اساسی تعهد بین‌نسلی است و در پیوندها از اهمیت غیر قابل انکاری برخوردار است. زمانی که توازن بین پرداخت و دریافت حمایت تغییر می‌کند و برخی به وضوح بیش از دیگران و بیش از آنچه انتظار دارند در آینده دریافت کنند، پرداخت می‌کنند، بحث همبستگی پیش می‌آید. از جمله مهم‌ترین نظریه‌های روابط بین‌نسلی، نظریه همبستگی بین‌نسلی بنگستون و رابرتز^۳ (۱۹۹۱) است که در آن ابعاد مختلف رفتار ارتباطی و حمایتی درون خانواده و بین نسل‌ها مورد بحث قرار گرفته است. به نظر می‌رسد دسترسی به منابع حمایت که مرتبط با همبستگی بین‌نسلی است، اصل اساسی در مبادله منابع و حمایت‌ها بین والدین و فرزندان باشد (کانتور^۴، ۱۹۷۹).

نظریه اقتضایی^۵: این نظریه معتقد است که اعضای خانواده در صورت نیاز، کمک بیشتری دریافت می‌کنند. و بنابراین والدین به فرزندان نیازمند خود کمک بیشتری می‌کنند (اگبین و داوی^۶، ۱۹۹۸). ناتوان بودن والدین، بی‌کار بودن والدین، و تک والد بودن باعث حمایت کمتر از فرزندان بزرگسالان می‌شود (آکولینو^۷، ۱۹۹۴، ۲۰۰۶، فروستنبرگ^۸، ۲۰۰۰). تصمیمات حمایتی غالباً منعکس‌کننده نیازهای روزمره فرزندان است. به عنوان مثال، والدین از فرزندان دانش‌آموز و مجرد بیش از غیر دانش‌آموز (فینگرمن و همکاران، ۲۰۱۰) و متاهل حمایت می‌کنند (فینگرمن، ۲۰۰۰، روسی و روسی، ۱۹۹۰). همچنین به فرزندان بزرگسال با تقاضای شدید کار بیشتر از کودکان خردسال کمک می‌کنند (کاسپر و بیانچی^۹، ۲۰۰۲).

چنانکه گفتیم اگرچه مطالعات متعددی در دیگر کشورها صورت گرفته اما نتایج در کشورهای مختلف یکسان نیست. مطالعات داخلی نیز اندک بوده و در ابعاد محدودی انجام شده است. در خصوص حمایت والدین از فرزندان بزرگسال غیرهم‌سکنا در ابعاد مختلف مطالعه‌ای یافت نشد و این مقاله تلاش دارد به ابعاد مختلف حمایت والدین از فرزندان بزرگسال غیرهم‌سکنا بپردازد. با توجه به تئوری‌های مطرح شده و پیشینه تحقیق در جامعه ما نیز به نظر می‌رسد، عوامل مرتبط با

¹ Silverstein

² Solidarity

³ Bengtson & Roberts

⁴ Cantor

⁵ contingency theories

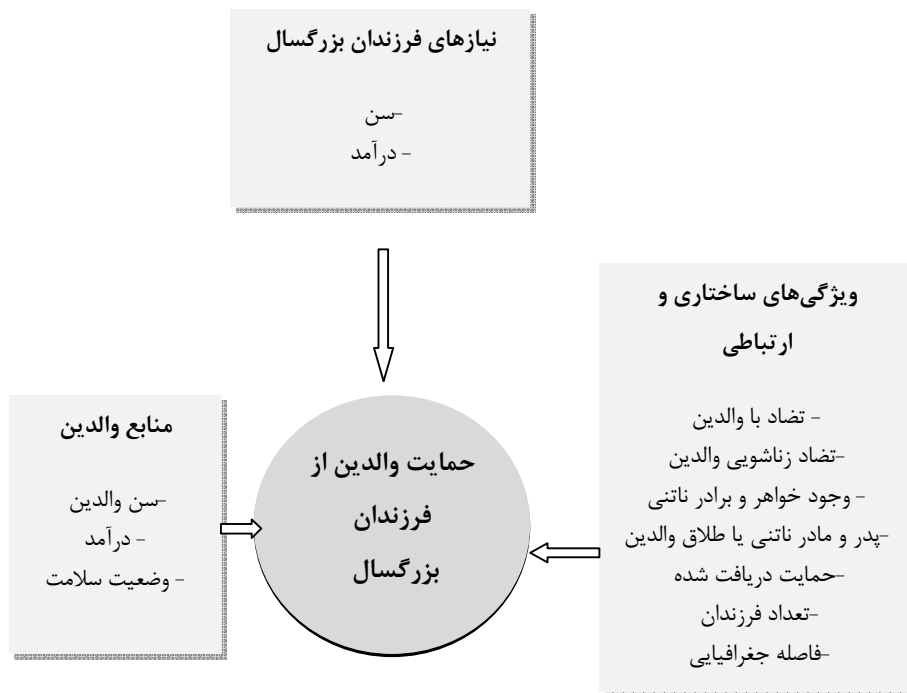
⁶ Eggebeen & Davey

⁷ Aquilino

⁸ Furstenberg

⁹ Casper & Bianchi

روابط والدین با فرزندان بزرگسال با نظریه‌های نوع‌دوستی، همبستگی نسلی و تئوری اقتضایی سازگار باشد. بنابراین فرضیه‌های تاثیر منابع والدین (سن والدین، سلامت والدین، درآمد والدین)؛ نیازهای فرزندان بزرگسال (سن، درآمد) و ویژگی‌های ساختاری و ارتباطی (تضاد با والدین، تضاد زناشویی والدین، وجود خواهر و برادر ناتنی، پدر و مادر ناتنی یا طلاق والدین، حمایت از والدین، فاصله جغرافیایی، تعداد فرزندان) مفروض است. به طوری که والدین جوان‌تر، با درآمد و سلامت بالاتر، با تضاد زناشویی کمتر، با تعداد فرزندان کمتر، با عدم سابقه طلاق و یا والدین ناتنی، با عدم وجود فرزندان ناتنی از فرزندان بزرگسال خود که جوان‌تر، با درآمد پایین‌تر، با تضاد کمتر با والدین، با حمایت بیشتر از والدین، با فاصله جغرافیایی کمتر، حمایت بیشتری دارند. همچنین در این تحقیق متغیرهای جنسیت، تحصیلات فرزندان بزرگسال و والدین، تاهل فرزندان بزرگسال، ترتیبات زندگی والدین و اشتغال فرزندان بزرگسال کنترل می‌شود. نمودار زیر مدل نظری تحقیق را نشان می‌دهد.



مدل نظری عوامل اثرگذار بر حمایت والدین از فرزندان بزرگسال

روش‌شناسی

جمعیت آماری پژوهش، افراد ۱۸ سال و بالاتر ساکن شهر تهران در سال ۱۳۹۵ و شرط ورود به پیمایش، داشتن حداقل یک والد زنده و هم‌سکنا نبودن با والدین بوده است. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت تهران ۸۶۹۳۷۰۶ نفر بوده که در ۶۸۴۵ حوزه سکونت داشته‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). با توجه به حجم بالای جمعیت آماری و محدودیت زمان و بودجه، پژوهش، در نمونه‌ای معرف و متناسب با شرایط انجام شده است. اندازه نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با فرض بیشترین پراکندگی متغیرهای مورد مطالعه ($p = 0/5$)، احتساب خطای نمونه‌گیری حداکثر ۵ درصد (دواس، ۱۳۸۶: ۷۸) و دقت احتمالی ۰/۰۵ محاسبه شده است. با در نظر گرفتن اینکه فرمول کوکران فرمول نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده و با احتساب اثر طرح و ضریب تعدیل بی‌پاسخی و بودجه طرح، حجم نمونه ۱۰۰۰ نفر در نظر گرفته شد. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای (PPS)^۱ بوده و به منظور انتخاب نمونه‌ای معرف از این مناطق از تقسیم جمعیت شهر تهران (۸۶۹۳۷۰۶) که در ۶۸۴۵ حوزه پراکنده‌اند، بر ۳۰ حوزه فاصله انتخاب ۲۸۹۷۹۰/۲ به‌دست آمد. اولین حوزه به شکل تصادفی انتخاب شد (حوزه شماره ۴۱۸۳). سپس با اضافه کردن فاصله، حوزه‌های دیگر انتخاب شدند. با توجه به جمعیت هر حوزه، تعداد نمونه‌ها در هر حوزه مشخص شد. نمونه‌گیری از درب منازل بوده و از هر خانوار تنها یک فرد برای مصاحبه انتخاب شدند. در این پژوهش از اعتبار صوری^۲ و اعتبار سازه^۳ استفاده کردیم. جهت کسب اعتبار صوری، پرسش‌نامه تهیه شده توسط اساتید صاحب نظر و اعضای هیئت علمی موسسه مورد بازبینی قرار گرفته و پس از آزمون اولیه، پرسش‌نامه نهایی تهیه شد و جهت کسب اعتبار سازه از تحلیل عامل اکتشافی استفاده کردیم. برای پایایی گویه‌های پرسش‌نامه نیز در هر مورد به شرح زیر از آلفای کرونباخ استفاده شده است.

تعریف مفاهیم و عملیاتی کردن متغیرها

حمایت والدین از فرزندان بزرگسال: در ۵ بعد با ۵ گویه برگرفته از مطالعه کیم^۴ و همکاران (۲۰۱۵) سنجیده شده است. از پاسخ‌گویان سؤال شده که در ۱۲ ماه گذشته، به چه میزان از والدین خود، پند و نصیحت، ابراز علاقه به زندگی شخصی، خدمات مراقبتی، حمایت عاطفی و حمایت مالی داشته‌اید؟ پاسخ‌ها در ۶ رتبه از صفر تا پنج نمره‌گذاری شده‌اند. از ترکیب این ۵ گویه

¹ Probability proportional to size

² Face Validity

³ Construct Validity

⁴ Kim

متغیر حمایت والدین از فرزندان بزرگسال ساخته شده و در تحلیل رگرسیونی به سه بخش پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی شده‌اند. آلفای کرونباخ برای معرف‌های حمایت پدران ۰/۸۴۷ و برای حمایت مادران ۰/۸۰۰ بوده است.

درآمد والدین و فرزندان بزرگسال: با پرسش "به طور متوسط درآمد ماهانه چقدر است؟" سنجیده شده و پاسخ‌ها شامل درآمد ندارم یا فقط یارانه، کمتر از یک میلیون و پانصد هزار تومان، از یک میلیون و پانصد تا سه میلیون، از سه میلیون تا چهار میلیون و پانصد تا شش میلیون، بالاتر از شش میلیون بوده است. سپس این گویه، در آزمون‌های دو و چند متغیره به سه گروه پایین، متوسط و بالا تقسیم شده است.

سن والدین و سن فرزندان بزرگسال: سال‌های سپری شده عمر است که در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است. در آزمون‌های دو و چند متغیره سن والدین در سه گروه کمتر از ۶۰ سال، ۶۰ تا ۷۵ سال و بیشتر از ۷۵ سال و سن فرزندان بزرگسال به کمتر از ۳۰ سال، ۳۰ تا ۴۰ سال و بیشتر از ۴۰ سال طبقه‌بندی شده است.

تضاد فرزندان بزرگسال با والدین: برگرفته از مطالعه گالن، داکسترا و کامتر^۱ (۲۰۱۰)، با این عبارت طرح شده است که در سه ماه گذشته به چه میزان درگیری، فشار و اختلاف با پدر/مادر خود داشته‌اید؟ پاسخ‌گو وضعیت خود را با نمرات ۰ تا ۵ به ترتیب برای پاسخ‌های اصلا، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد درجه‌بندی کرده است. در تحلیل دو و چند متغیره، متغیر تضاد با والدین به دو بخش تضاد دارد و تضاد ندارد، طبقه‌بندی شده است.

تضاد زناشویی والدین: برگرفته از مطالعات آلن^۲ (۲۰۰۲) و گرف و فوکما (۲۰۰۷)؛ دو گویه به کار رفته که عبارتند از: والدین شما به چه میزان با یکدیگر اختلاف و درگیری داشتند/دارند؟ والدین شما چقدر با هم قهر می‌کنند/ می‌کردند یا همدیگر را ترک می‌کنند/ می‌کردند؟ پاسخ‌ها از ۰ تا ۵ نمره گذاری شدند. آلفای کرونباخ در پدران ۰/۸۳۹ و در مادران ۰/۸۳۴ بوده است. در تحلیل دو و چند متغیره، متغیر تضاد با والدین به دو بخش تضاد دارد و تضاد ندارد، طبقه‌بندی شده است. طلاق والدین یا داشتن والدین ناتنی و داشتن خواهر و برادر ناتنی با یک پرسش سنجیده شده‌اند.

وضعیت سلامت والدین: با گویه به نظر خودتان وضعیت سلامت والدین/شما در چه حدی است؟ سنجیده شده است. سلامتی خودگزارشی در مطالعات سارکسین و گریستل (۲۰۰۸) و آتیاز و

¹ Gaalen, Dykstra, & Komter

² Allen

دانفوت و همکاران (۲۰۰۵) نیز به کار رفته است. در تحلیل‌های دو و چند متغیره وضعیت سلامت والدین به دو بخش پایین و بالا طبقه‌بندی شده است.

تعداد فرزندان: تعداد فرزندان والدین در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است. در تحلیل دو و چند متغیره به سه دسته ۱ و ۲ فرزند، ۳ و ۴ فرزند و بالاتر از ۴ فرزند طبقه‌بندی شده است.

حمایت فرزندان بزرگسال از والدین: از ترکیب چهار گویه ساخته شده که عبارتند از: در سال گذشته چقدر در کارهای خانگی به والدین خود کمک کرده‌اید؟ چقدر مراقبت‌های شخصی از والدین خود داشته‌اید؟ چقدر در کنار ایشان بوده‌اید؟ چقدر به ایشان هدیه داده یا کمک مالی داشته‌اید؟ آلفای کرونباخ این متغیر در پدران ۰/۷۵۲ و در مادران ۰/۷۵۸ بوده است. در تحلیل‌های دو و چند متغیره به سه بخش پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی شده است.

فاصله جغرافیایی: با یک پرسش "شما در چه فاصله‌ای از منزل والدین خود زندگی می‌کنید؟" پاسخ‌گویان وضعیت خود را با نمرات ۱ تا ۶ به ترتیب برای پاسخ‌های در یک محله، یک منطقه، منطقه دیگر، یک استان، استان دیگر و خارج از کشور اعلام کرده‌اند. این متغیر، در تحلیل‌های دو و چند متغیره به سه گروه یک محله یا یک منطقه، منطقه دیگر یا یک استان، استان دیگر یا خارج از کشور طبقه‌بندی شده است.

تحصیلات والدین و فرزندان بزرگسال: با این پرسش که: تحصیلات شما/والدین شما به چه میزان است؟ در ۱۱ پاسخ شامل بی‌سواد، تحصیلات نهضت/ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، دیپلم و پیش‌دانشگاهی، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس، دکترای عمومی، دکترای تخصصی، تحصیلات حوزوی (با تعیین سطح) سنجیده شده است. پاسخ‌ها در تحلیل‌های دو و چند متغیره در والدین به سه سطح متوسطه و پایین‌تر، دیپلم و پیش‌دانشگاهی، دانشگاهی و در فرزندان بزرگسال به سه سطح دیپلم و پایین‌تر، فوق دیپلم و لیسانس، بالاتر از لیسانس طبقه‌بندی شده است.

وضعیت اشتغال فرزندان بزرگسال: برگرفته از مطالعه سارکسین و گرستل^۱ (۲۰۰۸). وضعیت اشتغال با سه مقوله اشتغال کمتر از چهار روز در هفته، اشتغال چهار روز و بیشتر در هفته و غیر شاغل مشتمل بر افراد خانه‌دار، دانشجو، بازنشسته، بی‌کار، دارای درآمد بدون کار و سایر سنجیده شده است. در تحلیل‌های دو و چند متغیره، وضعیت اشتغال به دو بخش شاغل و غیرشاغل تقسیم شده است.

وضعیت تاهل فرزندان بزرگسال: تاهل فرزندان بزرگسال با یک پرسش شامل مقوله‌های دارای همسر، بدون همسر بر اثر طلاق، بدون همسر بر اثر فوت و ازدواج نکرده تعیین شده است. این متغیر در آزمون دو و چند متغیره به دو گروه مجرد و متاهل تقسیم شده است.

¹ Sarkisian & Gerstel

ترتیبات زندگی والدین: با دو گروه زندگی کردن والدین در کنار هم و سایر (به تنهایی، با فرزندان مجرد، با پسران متأهل، با دختران متأهل، با دیگر بستگان، با دوستان، در خانه سالمندان، در خانه خود با پرستار) تعیین شده است.

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های جمعیت نمونه: ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی جمعیتی پاسخ‌گویان در جدول ۱ آورده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، حدود ۹۹ درصد از پاسخ‌گویان باسواد و حدود یک چهارم از افراد باسواد، تحصیلات پیش‌دانشگاهی و دیپلم و حدود یک سوم ایشان تحصیلات لیسانس داشته‌اند. میانگین سن افراد کمتر از ۴۰ سال و بیش از سه پنجم از پاسخ‌گویان کمتر از ۴۰ سال سن داشته‌اند. حدود ۶۳ درصد از پاسخ‌گویان شاغل بوده‌اند. حدود ۸۰ درصد از غیرشاغلین خانه‌دار بوده و تنها حدود ۷ درصد از پاسخ‌گویان درآمد بالاتر از شش میلیون تومان داشته‌اند.

جدول ۱: توزیع پاسخ‌گویان برحسب ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی جمعیتی

تعداد	درصد معتبر	ویژگی	
۴۷۵	۴۷/۵	مرد	جنس
۵۲۵	۵۲/۵	زن	
۱۷۳	۱۷/۳	زیر ۳۰ سال	سن ^۱
۴۵۴	۴۵/۵	۳۰ تا ۴۰ سال	
۳۷۱	۳۷/۲	بالاتر از ۴۰ سال	
۲	-	بدون پاسخ	
۷	۰/۷	بیسواد	تحصیلات
۲۱	۲/۱	نهیض/ابتدایی	
۳۰	۳	راهنمایی	
۷۶	۷/۶	متوسطه	
۲۶۵	۲۶/۵	دیپلم و پیش‌دانشگاهی	
۸۶	۸/۶	فوق دیپلم	
۳۱۵	۳۱/۵	لیسانس	
۱۶۱	۱۶/۱	فوق لیسانس	
۲۷	۲/۷	دکترای عمومی	
۹	۰/۹	دکترای تخصصی	
۲	۰/۲	تحصیلات حوزوی	

^۱ میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۹/۱ سال بوده و دامنه سنی پاسخ‌گویان از ۲۰ تا ۷۸ سال بوده است.

تعداد	درصد معتبر	ویژگی	
۱	-	بدون پاسخ	
۵۵۸	۵۶	شاغل تمام وقت	
۷۴	۷/۴	شاغل پاره وقت	
۳۶۵	۳۶/۶	غیرشاغل	
۳	-	بدون پاسخ	
۲۸۵	۷۸/۵	خانه‌دار	غیرشاغل
۳	۰/۸	دانشجو	
۴۲	۱۱/۶	بازنشسته	
۱۸	۵	بیکار	
۶	۱/۷	دارای درآمد بدون کار	
۹	۲/۵	خانه‌دار و دانشجو	
۶۳۶	-	بدون پاسخ	
۲۲۵	۲۲/۸	بدون درآمد یا فقط یارانه	
۱۰۴	۱۰/۵	کمتر از یک میلیون و پانصد هزار تومان	
۲۹۰	۲۹/۴	از یک میلیون و پانصد هزار تومان تا سه میلیون تومان	
۱۹۰	۱۹/۲	از سه میلیون تا چهار میلیون و پانصد هزار تومان	
۱۱۴	۱۱/۵	از چهار میلیون و پانصد هزار تومان تا شش میلیون تومان	
۶۵	۶/۶	بالاتر از ۶ میلیون تومان	
۱۲	-	بدون پاسخ	

میزان و انواع حمایت والدین از فرزندان بزرگسال

جدول ۲ توزیع پاسخ‌ها و نمره شاخص کلی حمایت پدران و مادران از فرزندان بزرگسال را نشان

می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، حمایت والدین از فرزندان بزرگسال در سطح نسبتاً بالایی گزارش شده است. به طوری که ۷۱/۴۶ درصد از پدران و ۷۸/۱۲ درصد از مادران در سطح متوسط و بالاتر از فرزندان بزرگسال خود حمایت می‌کنند. حمایت عاطفی بیشترین و حمایت مالی کمترین حمایت دریافت شده فرزندان بزرگسال از پدران و مادران است. حمایت مالی پدران از فرزندان بزرگسال بیش از مادران بوده و ابعاد دیگر حمایت دریافت شده فرزندان بزرگسال از مادران در سطح معناداری بیش از پدران بوده است. به طور کلی حمایت مادران در سطح معناداری بیش از پدران گزارش شده است.

جدول ۲: توزیع پاسخ‌گویان بر حسب حمایت والدین از فرزندان بزرگسال

آزمون آماری علامت ^۱	مادر					پدر					
	تعداد	زیاد	تاحدودی	کم	اصلا	تعداد	زیاد	تاحدودی	کم	اصلا	
Z=-۸/۳۲۵ Sig=۰/۰۰۰	۹۰۰	۵۹/۲	۲۷/۹	۱۰/۹	۲	۷۳۸	۴۵/۳	۳۳/۴	۱۷/۴	۳/۹	میزان پند و نصیحت خوب از والدین
Z=-۷/۴۹۱ Sig=۰/۰۰۰	۸۹۹	۶۳/۲	۲۲/۹	۱۱/۱	۲/۸	۷۳۷	۵۰/۷	۲۴/۹	۱۹/۷	۴/۷	میزان علاقه‌مندی به زندگی شخصی‌تان
Z=-۵/۵۴۸ Sig=۰/۰۰۰	۸۹۸	۳۸/۲	۳۲	۲۰/۹	۸/۹	۷۳۸	۳۳/۴	۲۹/۷	۲۷/۴	۹/۵	میزان خدمات مراقبتی والدین از شما
Z=-۸/۲۰۶ Sig=۰/۰۰۰	۸۹۸	۶۸/۱	۲۳	۶/۶	۲/۳	۷۴۱	۵۴/۹	۲۸	۱۲/۸	۴/۳	میزان حمایت عاطفی والدین از شما
Z=-۱/۵۰۷ Sig=۰/۱۳۲	۸۹۹	۲۵/۹	۳۰/۲	۲۹/۷	۱۴/۲	۲۶۰	۳۰/۵	۲۶/۵	۳۰	۱۳	میزان حمایت مالی والدین از شما
Z=-۸/۱۱۸ Sig=۰/۰۰۰	۸۹۸/۸	/۹۲ ۵۰	۲۷/۲	۱۵/۸۴	۶/۰۴	۶۴۲/۸	/۹۶ ۴۲	۲۸/۵	/۴۶ ۲۱	۷/۰۸	حمایت والدین از فرزندان بزرگسال

^۱ Sign Test

عوامل تعیین‌کننده میزان و انواع حمایت والدین از فرزندان بزرگسال

هرچند نتیجه‌گیری نهایی بر تحلیل چندگانه استوار خواهد شد، اما، ارزیابی روابط دومتغیری میزان حمایت و متغیرهای مستقل خالی از فایده نیست. جدول شماره ۳ همبستگی دو متغیره و نتایج آزمون این روابط را نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج آزمون دو متغیره فرضیه‌های تحقیق

سن والدین	پدر			مادر			سن والدین
	پایین	متوسط	بالا	پایین	متوسط	بالا	
کمتر از ۶۰ سال	۳۳/۹	۲۴/۸	۴۱/۳	۳۱/۲	۳۵/۳	۳۳/۵	تاو بی = ۰/۱۱۸ مقدار = P۰/۰۰۰
۶۰-۷۵ سال	۳۳/۶	۳۸/۶	۲۷/۸	۳۰/۶	۴۲/۸	۲۶/۶	
بیشتر از ۷۵ سال	۴۲/۹	۳۰/۶	۲۶/۵	۴۷/۵	۳۶/۱	۱۶/۵	
کمتر از ۳ میلیون	۳۵/۵	۳۱/۶	۳۲/۹	۳۴/۷	۳۸/۴	۲۶/۸	تاو بی = ۰/۰۷۸ مقدار = P۰/۰۱۴
۳-۴/۵ میلیون	۳۵/۹	۳۸/۶	۲۵/۵	۲۵/۸	۴۱/۹	۳۲/۳	
بالتر از ۴/۵ میلیون	۳۰/۳	۳۰/۳	۳۹/۳	۲۰	۲۸	۵۲	
پایین	۳۷/۴	۳۴/۴	۲۸/۲	۴۰/۹	۳۹/۶	۱۹/۵	وی کرامرز = ۰/۱۶۹ مقدار = P۰/۰۰۰
بالا	۳۳/۵	۳۲/۱	۳۳/۳	۲۸/۸	۳۷/۴	۳۳/۸	
دارد	۴۳/۳	۳۲/۳	۲۴/۴	۳۷/۹	۳۸/۱	۲۲/۹	وی کرامرز = ۰/۱۰۱ مقدار = P۰/۰۱۰
ندارد	۲۷/۲	۳۵/۲	۳۷/۶	۲۹/۷	۳۸/۹	۳۱/۴	
۱ و ۲ فرزند	۳۱/۹	۲۰/۷	۴۷/۴	۲۱/۹	۳۲/۱	۴۶	تاو بی = ۰/۱۱۱ مقدار = P۰/۰۰۰
۳ و ۴ فرزند	۳۳	۳۸/۷	۲۸/۳	۳۴/۱	۴۱/۷	۲۴/۲	
بیشتر از ۴ فرزند	۳۹/۱	۳۳/۶	۲۷/۳	۳۷/۸	۳۷/۲	۲۴/۹	
کمتر از ۳۰ سال	۳۳/۷	۳۰/۱	۳۶/۲	۳۲	۳۱/۴	۳۶/۶	تاو بی = ۰/۰۹۹ مقدار = P۰/۰۰۱
۳۰-۴۰ سال	۳۶/۷	۳۲/۶	۳۰/۷	۳۰/۹	۳۹/۲	۲۹/۹	
بیشتر از ۴۰ سال	۳۱/۲	۳۹/۷	۲۹/۱	۳۸	۴۱/۴	۲۰/۶	
کمتر از ۳ میلیون	۳۳	۳۱/۳	۳۵/۸	۳۱/۹	۳۹/۱	۲۹	تاو بی = ۰/۰۵۰ مقدار = P۰/۰۹۱
۳-۴/۵ میلیون	۳۶	۳۶/۷	۲۷/۳	۳۳/۳	۳۵/۱	۳۱/۵	
بالتر از ۴/۵ میلیون	۳۸/۹	۴۱/۳	۱۹/۸	۳۸/۸	۴۰/۶	۲۰/۶	
پایین	۶۱/۵	۲۵/۵	۱۳	۵۲	۳۲/۹	۱۵/۱	تاو بی = ۰/۲۰۵ مقدار = P۰/۰۰۰
متوسط	۲۴/۸	۴۱/۲	۳۴	۲۹/۲	۴۰/۴	۳۰/۳	
بالا	۲۴/۷	۳۳/۴	۴۱/۸	۲۴/۸	۴۰/۹	۳۴/۳	
دارد	۸۵/۴	۱۱	۳/۷	۳۰/۹	۳۹/۷	۲۹/۴	وی کرامرز = ۰/۳۳۵ مقدار = P۰/۰۰۰
ندارد	۲۸/۵	۳۶/۳	۳۵/۲	۷۵/۹	۱۷/۲	۶/۹	
خواهر و برادر ناتنی	۶۳/۶	۲۳/۶	۱۲/۷	۳۹/۴	۳۷/۹	۲۲/۷	وی کرامرز = ۰/۰۳۸ مقدار = P۰/۰۱۴
ندارد	۳۲/۵	۳۴/۶	۳۲/۹	۳۳/۳	۳۸/۶	۲۸/۱	
دارد	۷۴/۶	۱۸/۶	۶/۸	۴۸/۸	۳۲/۶	۱۸/۶	وی کرامرز = ۰/۰۷۴ مقدار = P۰/۰۰۸۶
ندارد	۳۱/۲	۳۵/۱	۳۳/۷	۳۲/۸	۳۹	۲۸/۲	
یک محله یا منطقه	۲۵/۵	۳۴/۱	۴۰/۴	۲۴	۳۸/۲	۳۷/۸	تاو بی = ۰/۱۳۰ مقدار = P۰/۰۰۰
منطقه دیگر یا یک استان	۳۲/۳	۳۵/۲	۳۱/۵	۳۶/۳	۴۰/۸	۲۲/۹	
استان دیگر یا خارج از کشور	۴۴/۱	۳۰/۹	۲۵	۴۰/۲	۳۵/۲	۲۴/۶	

^۱ درصد

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، با افزایش سن پدر و مادر، حمایت والدین از فرزندان بزرگسال در سطح معناداری کاهش می‌یابد. ارزیابی همبستگی بین درآمد والدین و حمایت از فرزندان بزرگسال نشان می‌دهد که تنها افزایش درآمد مادران است، که با حمایت از فرزندان، آن هم نه چندان قوی، همبسته است. سطح معناداری این رابطه فرض صفر بودن همبستگی را مورد تردید قرار می‌دهد، اما جهت رابطه به لحاظ نظری مهم و معنادار است. همبستگی نسبتاً قوی‌تر بین سلامت مادران و حمایت آنان هم مانند درآمد، بر حمایت‌شان از فرزندان اثر مستقیم دارد.

عدم وجود تضاد زناشویی، حمایت والدین را افزایش می‌دهد ولی عدم وجود صفت در دو ویژگی یکی "فرزندان ناتنی" و دوم "طلاق والدین" تنها به افزایش حمایت پدران از فرزندان بزرگسال منجر می‌شود. رابطه دو متغیر اخیر، نشان می‌دهد که حمایت مادران از فرزندان بزرگسال مستقل از وجود فرزندان ناتنی و طلاق بین پدر و مادر است، اما وجود مناسبات منفی زناشویی بین آنان بر حمایت هر دو والدین اثر منفی دارد.

اگرچه با ضریب همبستگی ضعیف، اما والدین با فرزند بیشتر، حمایت‌شان از فرزندان بزرگسال کمتر است. کاهش حمایت مادران از فرزندان بزرگسالی که در سن بالاتر هستند، دور از انتظار نیست. هرچند حمایت پدران از فرزندان بزرگسال مستقل از سن فرزندان است. در عوض فرزندان با درآمد پائین‌تر، حمایت بیشتری از پدر خود دریافت می‌کنند. حمایت در آن گروه از فرزندان که دارای مناسبات حمایتی از والدین خود هستند، و تضادی با والدین خود ندارند، بیشتر است. به طور کلی صمیمیت و روابط مثبت بین والدین و فرزندان تعیین‌کننده‌های مهم در حمایت از فرزندان بزرگسال هستند. افرادی که والدین‌شان از یکدیگر جدا شده‌اند و یا والدین ناتنی دارند، حمایت کمتری از پدران دریافت می‌کنند. هر چه فاصله جغرافیایی بیشتر باشد، حمایت والدین کاهش می‌یابد. جدول ۴ تحلیل چند متغیره عوامل اثرگذار بر حمایت والدین از فرزندان بزرگسال را نشان می‌دهد.

جدول ۴: تحلیل رگرسیون ترتیبی عوامل تعیین‌کننده حمایت والدین از فرزندان بزرگسال^۱

حمایت مادر از فرزندان بزرگسال	حمایت پدر از فرزندان بزرگسال		
*.۰/۶۱۶	*.۰/۴۴۲	کمتر از ۶۰ سال	سن پدر/مادر(مرجع: بالاتر از ۷۵)
*.۰/۶۳۸	.۰/۳۰۸	۶۰-۷۵ سال	
-۰/۴۶۸	-۰/۱۹۶	پایین	درآمد پدر/مادر(مرجع: بالا)
-۰/۳۸۲	*-۰/۳۹۵	متوسط	
*-۰/۳۸۰	-۰/۱۳۶		سلامت پدر/مادر (مرجع: بالا)
*.۰/۳۶۰	*.۰/۳۴۷		تضاد زناشویی والدین(مرجع: بالا)
*.۰/۵۵۵	*.۰/۶۰۳	۱ و ۲ فرزند	تعداد فرزندان (مرجع: بیشتر از ۴ فرزند)
-۰/۰۵۶	.۰/۱۵۲	۳ و ۴ فرزند	
-۰/۰۸۸	*-۰/۳۶۷	کمتر از ۳۰ سال	سن فرزندان بزرگسال(مرجع: بالاتر از ۴۰ سال)
-۰/۱۰۸	*-۰/۳۲۸	۳۰-۴۰ سال	
.۰/۳۹۱	*.۰/۵۸۸	پایین	درآمد فرزندان بزرگسال (مرجع: بالا)
.۰/۴۲۱	*.۰/۴۲۲	متوسط	
*-۱/۰۱۳	*-۰/۸۳۵	پایین	حمایت فرزندان بزرگسال از والدین(مرجع: بالا)
-۰/۱۰۳	-۰/۰۲۳	متوسط	
*۱/۸۷۳	*۱/۶۹۲		تضاد با پدر/مادر (مرجع: بالا)
.۰/۲۰۵	-۰/۱۹۶		خواهر و برادر ناتنی (مرجع: ندارد)
.۰/۴۳۱	.۰/۵۳۳		طلاق والدین یا والدین ناتنی (مرجع: دارد)
.۰/۲۹۱	.۰/۱۷۹	فاصله جغرافیایی(مرجع: استان دیگر یا یک محله یا منطقه خارج از کشور)	
-۰/۰۸۵	.۰/۱۱۸	منطقه دیگر یا یک استان	
*-۰/۴۰۹	-۰/۱۲۷		جنس فرزندان بزرگسال (مرجع: زن)
.۰/۰۶۹	-۰/۱۳۹	تحصیلات فرزندان بزرگسال (مرجع: زیر فوق دیپلم)	
.۰/۱۷۳	-۰/۱۸۷	فوق دیپلم و لیسانس	
-۰/۳۲۱	-۰/۱۶۴		وضعیت تاهل فرزندان بزرگسال (مرجع: متاهل)
.۰/۰۴۲	-۰/۰۲۳		اشتغال فرزندان بزرگسال (مرجع: غیرشاغل)
-۰/۲۹۲	-۰/۱۲۱	زیر دیپلم	تحصیلات پدر/مادر(مرجع: دانشگاهی)
-۰/۱۹۷	-۰/۱۹۹	دیپلم و پیش	

^۱ اعداد درون جدول مقدار برآورد (Estimate) است و ستاره نشان‌دهنده معنادار بودن می‌باشد.

حمایت مادر از فرزندان بزرگسال	حمایت پدر از فرزندان بزرگسال		
۰/۱۵۶	۰/۲۷۲	زندگی پدر/مادر با هم (مرجع: سایر)	
۱۸۷/۵۰۵	۲۳۳/۲۶۱	Chi-Square	Model Fitting Information
۲۷	۲۷	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	P مقدار	
۱۶۹۸/۶۵۷	۱۳۵۱/۵۶۳	ChiSquare	Pearson Goodness-of-Fit
۱۶۱۷	۱۳۴۳	درجه آزادی	
۰/۰۷۷	۰/۴۲۹	P مقدار	
۱۶۳۶/۲۶۵	۱۲۹۰/۹۴۳	ChiSquare	Deviance
۱۶۱۷	۱۳۴۳	درجه آزادی	
۰/۳۶۳	۰/۸۴۳	P مقدار	
۰/۲۲۰	۰/۳۱۸	Nagelkerke	Pseudo R Square

چنانکه جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، مدل‌های رگرسیون ترتیبی، مدل‌های مناسبی بوده و متغیرهای مستقل قادرند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. نتایج آزمون نکوئی برازش نیز نشان می‌دهد این مدل‌ها از برازش قابل قبولی برخوردار است. با افزایش سن والدین، با افزایش تضاد زناشویی، با افزایش تعداد فرزندان، و با افزایش تضاد فرزندان بزرگسال با والدین، حمایت والدین از فرزندان بزرگسال کاهش می‌یابد. عوامل اثرگذار بر حمایت پدران و مادران از فرزندان بزرگسال تفاوت‌هایی نیز دارند. پدرانی که درآمد بالاتری دارند؛ درآمد فرزندان بزرگسال ایشان کمتر است، در سطح معناداری از فرزندان بزرگسال خود، حمایت بیشتری دارند. مادرانی که سلامت بالاتری دارند؛ در سطح معناداری از فرزندان بزرگسال خود، حمایت بیشتری دارند. مادران در سطح معناداری از دختران خود حمایت بیشتری دارند. متغیرهای پیش‌بین توانایی تبیین ۳۱/۸ درصد از حمایت پدران از فرزندان بزرگسال و توانایی تبیین ۲۲ درصد از حمایت مادران از فرزندان بزرگسال را دارا هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق کوششی در جهت پاسخ‌گویی به این سئوالات داشته که حمایت والدین از فرزندان بزرگسال به چه میزان و متاثر از چه عواملی است؟ یافته‌ها نشان داده:

- حمایت والدین از فرزندان بزرگسال در سطح نسبتاً وسیعی وجود دارد. این حمایت در ابعاد مختلف یکسان نبوده است. به طوری که پند و نصیحت، علاقه‌مندی به زندگی شخصی و حمایت

عاطفی، در سطح بالا گزارش شده، اما حمایت ابزاری و حمایت مالی در سطحی به مراتب پایین‌تر گزارش شده است. این یافته همراستا با مطالعات متعدد دیگر بوده است (رسی و رسی، ۱۹۹۰؛ داتلند و همکاران، ۲۰۱۱؛ داکسترا و کامتر، ۲۰۱۲؛ درک و همکاران، ۲۰۱۸؛ کنی و اولنبرگ، ۱۹۹۲؛ حصاری، ۱۳۹۶).

- میزان حمایت پدران و مادران از فرزندان بزرگسال یکسان نبوده و حمایت مادران به طور کلی و در همه ابعاد به استثنای حمایت مالی، در سطح معناداری بیش از پدران بوده است. بنابراین یکی از عوامل اثرگذار بر حمایت والدین از فرزندان بزرگسال، جنسیت والدین است. داتلند، هرلوفسن و لیما (۲۰۱۱)، پرولکس و هلمز (۲۰۰۸)، فینگرمن، میلر، بردیت و زاریت (۲۰۰۹) یافته‌های مشابهی را گزارش کرده‌اند.

- با افزایش سن پدر و مادر، حمایت از فرزندان بزرگسال در سطح معناداری کاهش می‌یابد. مشابه با این یافته درپس^۱ و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند که اهمیت خانواده‌ها کاهش نیافته ولیکن والدین در مرحله آشیانه خالی زمان کمتری را به روابط بین نسلی اختصاص می‌دهند. حصاری (۱۳۹۶) نیز نشان داده که انتقالات پرداختی والدین با افزایش سن آن‌ها کاهش می‌یابد.

- با افزایش تضاد زناشویی، حمایت والدین از فرزندان بزرگسال در سطح معناداری کاهش می‌یابد. همچنین فرزندان بزرگسالی که با والدین خود تضاد بیشتری دارند، به طور معناداری از حمایت پایین‌تر والدین برخوردار هستند.

- پدران و مادرانی که از حمایت ارائه شده بالاتری برخوردار هستند در سطح معناداری حمایت بیشتری از فرزندان بزرگسال خود دارند. همراستا با این یافته سوتر، سیکریست و پیلمر (۲۰۰۷)، رسی و رسی (۱۹۹۰)، جرتز و همکاران (۲۰۱۲) نیز روابط متقابل میان والدین و فرزندان بزرگسال را نشان داده‌اند.

- با افزایش تعداد فرزندان حمایت والدین از فرزندان بزرگسال در سطح معناداری کاهش می‌یابد. همراستا با این یافته، امری (۲۰۱۳) نیز نشان داده تک‌فرزندان چهار برابر بیشتر از کسانی که در یک خانواده با چهار فرزند زندگی می‌کنند احتمال دریافت منابع مالی را دارند.

- در عوامل اثرگذار بر حمایت پدران و مادران از فرزندان بزرگسال تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌شود. از جمله این‌که:

- پدران با درآمد بالاتر، در سطح معناداری حمایت بیشتری از فرزندان بزرگسال خود دارند. همراستا با این یافته فینگرمن و همکاران (۲۰۱۵)، هنرتا و همکاران (۲۰۰۲)، جانسون (۲۰۱۳)، شونی و راس (۲۰۰۵) و حصاری (۱۳۹۶) نیز نشان داده‌اند، والدین دارای درآمد و دارایی بیشتر،

^۱ Der Pas

انتقالات بیشتری به فرزندان انجام می‌دهند. متفاوت با این یافته گروندی و هنرتا (۲۰۰۶) نشان دادند والدین با موقعیت اقتصادی- اجتماعی پایین‌تر ممکن است به دلیل تعداد فرزندان نیازمند به حمایت، پشتیبانی بیشتری داشته باشند.

- پدران در سطح معناداری از فرزندان بزرگسال خود با درآمد کمتر، حمایت بیشتری دارند. فینگرمن و همکاران (۲۰۰۹)، درک و همکاران (۲۰۱۸)، و بری (۲۰۰۸) نیز نشان داده‌اند، والدین به فرزندان نیازمند خود کمک بیشتری می‌کنند.

- پدران در سطح معناداری از فرزندان بزرگسال خود با سن بالاتر، حمایت بیشتری دارند. فرض ما این بود که فرزندان در سنین پایین‌تر حمایت بیشتری داشته باشند و این یافته، شاید به نیاز گسترده‌تر فرزندان، در سنین بالا مرتبط باشد و چرایی آن نیاز به تحقیقات بیشتری دارد. مغایر با این یافته درک و همکاران (۲۰۱۸) و حصاری (۱۳۹۶) نشان دادند وقتی فرزندان بزرگسال، کوچکتر باشند، کمک والدین بیشتر است.

- مادرانی که سلامت بالاتری دارند؛ در سطح معناداری از فرزندان بزرگسال خود، حمایت بیشتری دارند.

- مادران در سطح معناداری از دختران خود حمایت بیشتری دارند. همراستا با این یافته سوتر، سیکریست و پیلمر (۲۰۰۷) نیز نشان دادند که مادران از دختران حمایت بیشتری دارند.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت، که فرزندان در سنین بزرگسالی نیز از سوی والدین خود به خوبی حمایت می‌شوند. حمایت والدین از فرزندان بزرگسال در همه ابعاد یکسان نبوده و حمایت ابزاری و حمایت مالی در سطح پایین‌تری می‌باشد. سطوح پایین‌تر حمایت والدین در این دو بعد احتمالاً به عدم نیاز فرزندان بزرگسال یا به فقدان توانایی در والدین مرتبط است. دیگر یافته‌های این پژوهش نیز این نتیجه را تقویت می‌کنند. به عنوان مثال هر چه سن والدین کمتر باشد، درآمد ایشان بیشتر باشد، سلامت والدین بیشتر باشد، درآمد فرزندان بزرگسال کمتر باشد و تعداد فرزندان کمتر باشد، حمایت ایشان افزایش می‌یابد. حمایت مادران از فرزندان بزرگسال بیش از پدران بوده و به ویژه مادران از دختران خود در سطح بالاتری حمایت دارند. حمایت بیشتر مادران نیز به توانایی ایشان مرتبط است. به عنوان مثال در حمایت مالی که عمدتاً زنان توانایی کمتری دارند، حمایت مادران کمتر از پدران است. در عین حال روابط متقابل میان والدین و فرزندان بزرگسال برقرار بوده و والدینی که حمایت بیشتری دریافت کنند، حمایت بیشتری نیز ارائه خواهند داد. ساختار خانواده نیز حمایت والدین از فرزندان بزرگسال را تحت تاثیر خود قرار میدهد و در صورت شکننده بودن، حمایت والدین کاهش می‌یابد. به عنوان مثال در تضاد زناشویی یا تضاد والدین با فرزندان بزرگسال حمایت والدین کمتر می‌باشد.

بر اساس یافته‌های تحقیق پیشنهادهای اجرایی و مطالعاتی به شرح زیر ارائه می‌شود.

-آموزش و افزایش آگاهی: یافته‌های این تحقیق نشان داد حمایت والدین از فرزندان بزرگسال در سطح گسترده‌ای به چشم می‌خورد. بنابراین فردگرایی در روابط والدین و فرزندان بزرگسال در سطح گسترده وجود ندارد. عدم گستردگی حمایت ابزاری را نیز می‌توان با عدم نیاز فرزندان بزرگسال توجیه نمود. پایین‌تر بودن حمایت مالی نیز می‌تواند به عدم امکانات مالی والدین مرتبط باشد. بنابراین در سطح کلان و خرد باید آموزش داده شود که روابط میان والدین و فرزندان بزرگسال در سطح قابل قبولی است. رسانه‌ها در آموزش این موارد سهم به‌سزایی دارند. آگاهی در این حوزه می‌تواند دغدغه برنامه‌ریزان اجتماعی و عامه مردم را کاهش دهد و نشان دهنده این واقعیت است که نیازی به برخی مداخله‌ها در روابط فرزندان بزرگسال و والدین نیست. از سوی دیگر تقویت امکانات اقتصادی والدین می‌تواند در افزایش حمایت والدین از فرزندان بزرگسال اثرگذار باشد و اگر قرار است مداخلات سیاستی ایجاد شود، افزایش رفاه اقتصادی افراد در اولویت است.

-حمایت مادران بیش از پدران است و رضایت فرزندان بزرگسال از رابطه با مادران بیش از پدران است (مدیری، ۱۳۹۹). لازم است پدران با فرزندان بزرگسال خود پیوندهای قوی‌تری برقرار کنند و عوامل موثر در تقویت این رابطه نیاز به شناسایی دارد.

- لازم است والدین و فرزندان آگاهی کافی داشته باشند که روابط منفی میان والدین و روابط منفی میان والدین و فرزندان بزرگسال با کاهش حمایت رابطه مستقیم معنادار دارد و بیش از متغیرهای اقتصادی-اجتماعی تبیین‌کننده‌ی حمایت والدین از فرزندان بزرگسال هستند. والدین باید آگاهی داشته باشند که روابط منفی میان ایشان به روابط میان ایشان با فرزندان تسری داشته و در ایجاد این آگاهی رسانه‌ها نیز باید ایفای وظیفه نمایند. بررسی عوامل اثرگذار بر تضاد زناشویی و تضاد میان والدین و فرزندان بزرگسال لازم است شناسایی شده و در جهت کاهش آن اقدام شود.

-چنان‌که دیدیم حمایت پدران با درآمد بالاتر و حمایت مادران با سلامت بالاتر از فرزندان بزرگسال بیشتر است. بنابراین توانمندسازی والدین به لحاظ اقتصادی و فیزیکی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. حمایت مالی پایین‌تر والدین می‌تواند نشان دهنده این باشد که خود والدین از منابع مالی غنی نیستند و بنابراین ممکن است با بالاتر رفتن قدرت اقتصادی والدین، حمایت از فرزندان بزرگسال تقویت شود.

-در راستای افزایش حمایت والدین علاوه بر حمایت اقتصادی از خانواده‌ها، کلاس‌های مهارت ارتباطی و ایجاد قوانین حمایتی دوست‌دار خانواده پیشنهاد می‌شود.

-در حوزه مطالعاتی بررسی مقایسه‌ای میان حمایت والدین از فرزندان هم‌سکنا و غیرهم‌سکنا، و شیوع هم‌سکنایی و علل آن، بررسی تفاوت‌های جنسیتی در حمایت والدین از فرزندان بزرگسال پیشنهاد می‌شود. با توجه به احتمال عدم گزارش یک‌سان توسط والدین و فرزندان در حمایت ارائه

شده و دریافت شده (هریک از دید خود گزارش می‌دهند)، که مندمیکر و داکسترا^۱ (۲۰۰۸) نیز گزارش کرده‌اند، پیشنهاد می‌شود در پیمایش‌های بعدی، فرزندان و والدین، پاسخ‌گو باشند.

منابع

- حصاری، علی (۱۳۹۶)، "الگوها و عوامل تعیین کننده انتقالات بین نسل های والدین سالمند و فرزندان بزرگسال در شهر تهران"، (پایان نامه دکتری)، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- دی. ای. دواس (۱۳۸۶)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
- فرهمند، مهناز؛ خرم‌پور، یاسین؛ پارساییان، زهره؛ ماندگاری، فرزانه (۱۳۹۳)، تأثیرمؤلفه‌های نوگرایی در حمایت خویشاوندی خانواده‌های شهر یزد، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۲۷: ۱۷۸-۱۴۹.
- لی، رونالد و میسن، اندرو (۱۳۹۷)، *سالخوردگی جمعیت و اقتصاد نسلی*، مجید کوششی و لیلی نیاکان، تهران: موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، نتایج سرشماری.
- مدیری، فاطمه (۱۳۹۹)، *بررسی حمایت‌های دریافت شده فرزندان بزرگسال از والدین در شهر تهران*، موسسه تحقیقات جمعیت کشور.

- Albertini, M., & Radl, J. (2012), Intergenerational transfers and social class: Inter-vivos transfers as means of status reproduction? *Acta Sociologica*, 55(2): 107-123 .
- Allen, M. S. (2002), *The influence of parents' marital quality on parent-adult child intimacy: the role of the family expressiveness and relationship attributions*, Texas Tech University.
- Aquilino, W. (2006), *Family relationships and support systems in emerging adulthood*. In J. J. Arnett & J. L. Tanner (Eds.), *Emerging adults in the America: Coming of age in the 21st century*: 193-217.
- Aquilino, W. S. (1994), Impact of childhood family disruption on young adults' relationships with parents, *Journal of Marriage and the Family*: 295-313 .
- Attias-Donfut, C., Ogg, J., & Wolff, F.-C. (2005), European patterns of intergenerational financial and time transfers, *European journal of ageing*, 2(3): 161-173 .
- Bengtson, V. L., & Roberts, R. E. (1991), Intergenerational solidarity in aging families: An example of formal theory construction, *Journal of Marriage and the Family*: 856-870 .

¹ Mandemakers & Dykstra

- Berry, B. (2008), Financial Transfers from Living Parents to Adult Children, Who Is Helped and Why? *The American Journal of Economics and Sociology*, 67(2): 207-239.
- Caldwell J. C.(2005), On Net Intergenerational Wealth Flows: An Update, *Population and Development Review*, 31(4): 721-740.
- Cantor, M. H. (1979), Neighbors and friends: An overlooked resource in the informal support system, *Research on aging*, 1(4): 434-463 .
- Casper, Lynne M., and Suzanne M. Bianchi. (2002), *Continuity and Change in the American Family*, Thousand Oaks, Calif.: Sage Publications.
- Coleman, M., Ganong, L., & Cable, S. M. (1997), Beliefs about women's intergenerational family obligations to provide support before and after divorce and remarriage. *Journal of Marriage and the Family*: 165-176.
- Cooney, T. M., & Uhlenberg, P. (1990), The role of divorce in men's relations with their adult children after mid-life, *Journal of Marriage and the Family*: 677-688 .
- Daatland, S. O., Herlofson, K., & Lima, I. A. (2011), Balancing generations: on the strength and character of family norms in the West and East of Europe, *Ageing & Society*, 31(7): 1159-1179 .
- De Graaf, P. M., & Fokkema, T. (2007), Contacts between divorced and non-divorced parents and their adult children in the Netherlands: An investment perspective, *European Sociological Review*, 23(2): 263-277 .
- Der Pas, van Suzan; Tilburg, Theo van; Knipscheer, Kees (2007), Changes in Contact and Support within Intergenerational Relationships in the Netherlands: a Cohort and Time-Sequential Perspective, *Advances in Life Course Research*, 12: 243-274.
- Drake, Deirdre; Dandy, Justine; Loh, Jennifer; Preece, David. (2018), Should Parents Financially Support their Adult Children? Normative Views in Australia, *Journal of Family and Economic Issues*, 39: 348-359.
- Dykstra, P. A., & Komter, A. E. (2006), Structural characteristics of Dutch kin networks, *Family solidarity in the Netherlands*: 21-42 .
- Dykstra, P. A., & Komter, A. E. (2012), Generational interdependencies in families: The MULTILINKS research programme, *Demographic Research*, 27: 487-506 .
- Eggebeen, D. J., & Davey, A. (1998), Do safety nets work? The role of anticipated help in times of need, *Journal of Marriage and the Family*, 60: 939-950
- Emery, T. (2013), Intergenerational transfers and European families: Does the number of siblings matter? *Demographic Research*, 29(10): 247-274.

- Fingerman, K. L. (2000), "We had a nice little chat": Age and generational differences in mothers' and daughters' descriptions of enjoyable visits, *Journal of Gerontology: Psychological Sciences*, 55: 95–106.
- Fingerman, K. L., & Birditt, K. S. (2009), *Adult children and aging parents*. In K. W. Schaie (Ed.), *Handbook of the psychology of aging* (7th ed.), New York: Elsevier.
- Fingerman, K. L., Cheng, Y.-P., Tighe, L., Birditt, K. S., & Zarit, S. (2012), Relationships between young adults and their parents, In *Early adulthood in a family context*, 59-85: Springer.
- Fingerman, K. L., Miller, L. M., Birditt, K. S., & Zarit, S. (2009), Giving to the good and the needy: Parental support of grown children, *Journal of Marriage and Family*, 71: 1220–1233.
- Fingerman, K. L., Pitzer, L. M., Chan, W., Birditt, K., Franks, M. M., & Zarit, S. (2010), Who gets what and why? Help middle-aged adults provide to parents and grown children, *Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 66(1): 87-98 .
- Fingerman, K. L., Sechrist, J., & Birditt, K. (2013), Changing views on intergenerational ties, *Gerontology*, 59(1): 64-70 .
- Fingerman, K. L., Sechrist, J., & Birditt, K. S. (2012), Changing views on intergenerational ties, *Gerontology*, 59: 64–70.
- Fingerman, Karen L.; Kim, Kyungmin; Davis, Eden M.; Furstenberg, Frank F.; Birditt, Kira S.; Zarit, Steven H. (2015), "I'll Give You the World": Differences in Parental Support of Adult Children Socioeconomic, *Journal of Marriage and Family*, 77: 844–865.
- Furstenberg, F. F. (2000), The sociology of adolescence and youth in the 1990s: A critical Commentary, *Journal of Marriage and Family*, 62(4): 896 – 910.
- Grundy, E., & Henretta, J. C. (2006), Between elderly parents and adult children: A new look at the intergenerational care provided by the "sandwich generation," *Ageing and Society*, 26: 707– 722.
- Grundy, E., & Shelton, N. (2001), Contact between adult children and their parents in Great Britain 1986–99, *Environment and planning A*, 33(4): 685-697 .
- Henretta, J. C., Grundy, E., & Harris, S. (2002), The influence of socio-economic and health differences on parents' provision of help to adult children: A British–United States comparison, *Ageing and Society*, 22: 441–458.
- Johnson, M. K. (2013), Parental financial assistance and young adults' relationships with parents and well-being, *Journal of Marriage and Family*, 75 : 713–733.

- Kalmijn, M. (2015), Relationships between fathers and adult children: The cumulative effects of divorce and repartnering, *Journal of Family Issues*, 36(6): 737-759 .
- Kim, Kyungmin; Fingerman, Karen L.; Birditt, Kira S.; Zarit, Steven H. (2015), Capturing Between- and Within-Family Differences in *Parental Support to Adult Children: A Typology Approach*, Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences: 1–10.
- Mandemakers, J. J., & Dykstra, P. A. (2008), Discrepancies in parent's and adult child's reports of support and contact, *Journal of marriage and family*, 70(2): 495-506 .
- Needham BL, Austin EL. *Sexual orientation, parental support, and health during the transition to young adulthood*. *J Youth Adolesc*, (2010), Oct;39(10):1189-98.
- Popenoe, D. (1988). *Disturbing the nest: Family change and decline in modern societies*: Transaction Publishers.
- Rossi, P. P. H. (1990). *Of human bonding: Parent-child relations across the life course*: Transaction Publishers.
- Sarkisian, N., & Gerstel, N. (2008), Till marriage do us part: Adult children's relationships with their parents, *Journal of marriage and family*, 70(2):360-376.
- Schoeni, R. F. (1997), Private interhousehold transfers of money and time: New empirical evidence, *Review of Income and Wealth*, 43: 423–448.
- Schoeni, R. F., & Ross, K. E. (2005), Material assistance from families during the transition to adulthood. In R. A. Settersten Jr., F. F. Furstenberg, & R. G. Rumbaut (Eds.), *On the frontier of adulthood: Theory, research, and public policy*: 396–417, Chicago: University of Chicago Press.
- Schwarz, B., Trommsdorff, G., Albert, I., & Mayer, B. (2005), Adult parent–child relationships: Relationship quality, support, and reciprocity. *Applied Psychology*, 54(3): 396-417 .
- Silverstein, M., Conroy, S. J., Wang, H., Giarrusso, R., & Bengtson, V. L. (2002), Reciprocity in parent–child relations over the adult life course, *The Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 57(1), S3-S13 .
- Suitor, J. J., Pillemer, K., & Sechrist, J. (2006), Within-family differences in mothers' support to adult children, *Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 61B, S10–S17.
- Suitor, J. Jill; Sechrist, Jori; Pillemer, Karl (2007), Within-Family Differences in Mothers' Support to Adult Children in Black and White Families, *Research on Aging*, 29 (5): 410–435.

- Van Gaalen, R. I., Dykstra, P. A., & Komter, A. E. (2010), Where is the exit? Intergenerational ambivalence and relationship quality in high contact ties, *Journal of Aging Studies*, 24(2): 105–114.
- Vollenwyder N, Bickel J-F, d'Epina y CL, Maystre C. The Elderly and their Families, (1979-94): Changing Networks and Relationships, *Current Sociology*. 50(2): 263-280.
- Wijckmans, B., & Van Bavel, J. (2010), *Divorce and intergenerational family obligations. Past research and current patterns in the Netherlands*, Working Paper, Vrije Universiteit Brussel, Interface Demography.
- Wolf, D. A. (1994), The elderly and their kin: patterns of availability and access, *Demography of aging*: 146-194 .